

فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره پیاپی: سی و دوم - تابستان ۱۳۹۶

از صفحه ۱۳۰ تا ۱۴۹

## بررسی دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن از نگاه "سعدی" و "محمد تقی بهار"\*

رضا موسی آبادی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

مهدی نوروز<sup>۲</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

### چکیده:

تمثیل یکی از ابزارهای مهم بیانی شاعران و نویسندگان در دوره‌های مختلف ادبیات کلاسیک فارسی بوده است. در هر زمان بنا بر مقتضیات دوره، شاعران و نویسندگان به گونه‌ای از این نوع ادبی در بیان تمثیل‌های تعلیمی مربوط به دنیا بهره برده‌اند. سعدی شیرازی از شاعران دوره کلاسیک و محمد تقی بهار از شاعران عصر مشروطه از جمله شاعران برجسته‌ای هستند که آثارشان از جهات کمیّت، کیفیّت و استفاده از تمثیل‌های شعری درخور توجه و بررسی است. بی تردید دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن در آثار و باورهای ذهنی تعداد بی شماری از اندیشمندان و صاحب نظران به ویژه در گستره ادب پارسی سایه افکنده است و همواره مورد توجه و عنایت بسیاری از شاعران و نویسندگان بوده است. در شعر سعدی و ملک الشعرای بهار نیز دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن تصاویری است که نه تنها مطلوب و لذت بخش نیستند؛ بلکه گاه مهیب و هولناک نیز می‌باشند. البته اگر گاهی تصویر زیبایی نیز دیده می‌شود یا در عمق خود، دربرگیرنده ترس و اندوه دنیاست و یا صرفاً به این دلیل که به گونه‌ای به آخرت مربوط می‌شوند خوب ترسیم شده است. این پژوهش برآن است که دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن را براساس اشعار این شاعران سترگ ادب پارسی با رویکرد تمثیلی و روش توصیفی - تحلیلی بررسی نماید.

کلید واژه‌ها: سعدی، محمد تقی بهار، دنیا، تمثیل، ادبیات تعلیمی

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

پست الکترونیک نویسنده مسؤول:

## مقدمه

پیرامون دنیا و ماهیت آن کتاب‌های فراوانی نوشته شده است و بزرگان زیادی در خصوص آن نظریه پردازی کرده‌اند. بعضی دنیا را پلید، نازیبا، بی وفا و بدکردار دانسته‌اند و بعضی دیگر آن چنان آن را زیبا و دلنشین توصیف کرده‌اند که گویا در نظر آنان همه هدف و غایت هستی، چیزی جز دنیا نیست؛ البته در این میان افرادی هم هستند که دنیا را نه پلید دانسته‌اند و نه زیبا. از همین رو مکاتب فکری گوناگونی در این خصوص شکل گرفته است. یکی از جنبه‌های بررسی فکری در مورد آثار عرفانی و اخلاقی، بررسی جهان بینی و نگاه شاعران و نویسندگان این نوع آثار به دنیاست. در بین شاعران ادب فارسی کلاسیک، اشعار سعدی و در میان شاعران عصر مشروطه، اشعار میرزا محمد تقی بهار بیش از دیگران عرصه چنین تحقیقاتی بوده است. در مورد سعدی و ملک الشعرای بهار این تحقیقات بدین لحاظ مورد عنایت بوده که اشعار ایشان آمیخته با حکایات و تمثیل‌های شیرین و آموزنده چه از لحاظ اخلاقی و چه از نظر مضامین اجتماعی بوده و جایگاه اجتماعی خاصی نیز در بین مردم داشته و هم چون یکی از آن‌ها در آن روزگاری زیسته‌اند؛ بنابراین، نگاه کردن به دنیا و بیان تمثیل‌های تعلیمی از دید چنین شاعرانی می‌تواند ما را در جهت ارزش گذاری و توجه به دنیا، مقدار بهره مندی از آن و پی بردن به چهره واقعی این شاعران سترگ عرصه ادب و فرهنگ چه در دوره کلاسیک و چه در عصر مشروطه یاری رساند. کاربرد مثل و تمثیل در میان سخن از هنرهای نویسندگی سعدی و ملک الشعرای بهار بوده که کلام را ساده، رسا و بیان را گیرا نموده و نقش مهمی در انتقال فرهنگ، آداب و رسوم اقوام و ملت‌ها داشته‌اند؛ لذا این قبیل از کلمات کوتاه و حکمت آمیز اما پرمغز و پرمعنا به یاری متکلم می‌شتابند تا مقصود و منظور وی را در جمله‌های کوتاه، روشن و مدلل سازند. تمثیل‌های به کار رفته در اشعار سعدی و ملک الشعرای بهار در باب دنیا و تصاویر تعلیمی آن، بیشتر جنبه اندرزی، دلیل آوری و هشداردهندگی دارند و می‌توان گفت که این تمثیل‌ها در حقیقت جملاتی کوتاه و مختصری هستند که کار ساعت‌ها سخن گفتن، برهان و دلیل آوردن، استدلال کردن و

بحث نمودن را به خوبی انجام می‌دهند و مانند قاعده‌ای زیبا درآمده که استفاده به جا از آن، جمله را شیرین، کوتاه، ساده و عامه پسند نموده است و به بیان شیوا و دلنشین، راه و رسم زندگی در دنیا و تفاوت بهنجار و نابهنجار را با استفاده از این تمثیل‌های زیبا به بهترین وجه ممکن به افراد جامعه آموزش می‌دهند. لذا سعدی شیرین سخن و ملک الشعراء بهار در آثار ارزشمند خود، کلیات سعدی و دیوان اشعار بهار، به صورت عمده با استفاده از داستان یا ایباتی نغز و پرمعنا به شیوه تمثیل، به بیان تصاویر تعلیمی مربوط به دنیا و طرزی استادانه پرداخته‌اند.

### بیان مسئله

با دقت و تأمل در اشعار و تصاویر تعلیمی مطرح شده در کلیات سعدی و دیوان اشعار ملک الشعراء بهار، نشانه‌های فراوانی از به کارگیری استشهاد و تمثیل در بیان آموزه‌های تعلیمی مربوط به دنیا را می‌توان در نگارش این آثار گران سنگ استنباط نمود. می‌توان گفت که سعدی و محمد تقی بهار برای تبیین مضامین و آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی مربوط به دنیا، از تمثیل‌های ادبی به عنوان یک منبع و آبشخور اصیل و ارزشمند غافل نمانده‌اند؛ ایشان بسیاری از تمثیل‌های مطرح شده در خصوص تصاویر تعلیمی مربوط به دنیا را در آثار خود، بر پایه الگوگیری از آموزه‌های دینی و قرآنی تدوین نموده‌اند. این مقاله از رهگذر این نظریه تلاش می‌کند تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بیان تمثیل‌های مربوط به مضامین تعلیمی دنیا در آثار سعدی و ملک الشعراء بهار پاسخ مناسب این پرسش‌ها را بیابد که: ۱- سعدی و ملک الشعراء بهار در ضمن تبیین تصاویر و مضامین تعلیمی مربوط به دنیا تا چه حد از تمثیل در آثارشان بهره برده‌اند؟ ۲- وجوه تشابه تمثیل‌های اشعار سعدی و میرزا محمد تقی بهار در بیان تصاویر تعلیمی مربوط به دنیا شامل چه مواردی می‌شود؟ ۳- با توجه به تنوع دیدگاه‌ها نسبت به دنیا در شعر فارسی، سعدی و ملک الشعراء بهار به کدام یک از مسائل و تمثیل‌های اخلاقی و اجتماعی دنیا توجه بیشتری داشته‌اند؟ ۴- میزان کاربرد تمثیل‌های به کار رفته در کلیات سعدی و دیوان اشعار محمد تقی بهار در بیان مضامین تعلیمی مربوط به دنیا با مسائل و مباحث

روزمره‌ی دنیای امروز بشری تاچه حد هماهنگی و تطابق دارد؟ ۵- آیا سعدی و ملک الشعراى بهار جنبه‌ اعتدال در کاربرد تمثیل‌ها و استشهداى مربوط به مضامین تعلیمی دنیا را رعایت نموده‌اند یاخیر؟

### پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی پیرامون این شاعران بزرگ عرصه‌ی زبان و ادب فارسی اعم از مقاله، کتاب و رساله نگاشته شده است؛ اما مطالعه‌ی پیشینه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از این پژوهش‌ها درخصوص احوال و زندگی شاعر، تحلیل آثار، برخی از اندیشه‌ها و مضامین اخلاقی رایج در آثار سعدی انجام شده است؛ ولی متأسفانه اثر مستقلی در باب دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن در کلیات سعدی و دیوان اشعار محمد تقی بهار پرداخته نشده است. در این میان می‌توان به مقالاتی چون «بررسی اندیشه‌های اخلاقی و تعلیمی در شعر اجتماعی عصر مشروطیت» (سیداحمد حسینی کازرونی، فصل‌نامه پژوهشی ادبیات تعلیمی، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۰)، «نقد و تحلیل مشخصه‌های بارز رمانتیسیم در شعر محمد تقی بهار» (سید منصور جمالی و محمدرضا نشایی مقدم، فصل‌نامه بهارستان سخن، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴) و کتاب‌هایی هم چون «شعر کهن در ترازوی نقد اخلاقی» نوشته حسین رزمجو و «حدیث خوش سعدی» از عبدالحسین زرّین کوب می‌توان اشاره نمود. پژوهش‌های انجام شده بیش از هر چیز به بررسی مکتب‌های رمانتیسیم و ناتورالیسم و اندیشه‌های اخلاقی و تعلیمی در شعر عصر مشروطه و هم‌چنین به بررسی برخی از مضامین اخلاقی در شعر سعدی و بازتاب برخی از آیات قرآن کریم در کلیات سعدی توجه داشته‌اند؛ حال آن‌که پژوهش حاضر به بررسی دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن در شعر سعدی و ملک الشعراى بهار نظر دارد و در صدد تبیین این مطلب است که افزون بر بیان آموزه‌های اخلاقی در باب تصاویر تعلیمی مربوط به دنیا در کلیات سعدی و دیوان اشعار بهار، کاربرد تمثیل نیز در این آثار گران بهای ادب پارسی نمود بارزی یافته است.

### ضرورت و اهمیت پژوهش

بی تردید تأمل و تحقیق در مضامین و تصاویر تعلیمی دنیا و تمثیل‌های به کار رفته در این باره در کلیات سعدی و دیوان اشعار ملک الشعرای بهار از ضرورت‌های انکارناپذیر است؛ هر چند پژوهش‌هایی درخور و ارزنده درخصوص زندگی و آثار سعدی و محمد تقی بهار در قالب مقاله به زیور طبع آراسته شده است؛ اما هیچ یک از این پژوهش‌ها در مورد دنیا و تمثیل‌های آن در شعر سعدی و ملک الشعرای بهار صورت نگرفته است؛ بنابراین ضرورت انجام چنین پژوهشی در حوزه زبان و ادبیات فارسی احساس می‌شود. در این جستار هدف کلی پژوهش، بررسی و تحقیق در خصوص شناخت بیشتر افکار و اعتقادات سعدی و میرزا محمد تقی بهار درخصوص مفهوم دنیا و تمثیل‌های به کارگرفته شده توسط این شاعران در اشعارشان می‌باشد.

### تمثیل

«مصدر عربی است به معنی مثل آوردن، تشبیه کردن چیزی به چیزی، نگاشتن پیکرنگاشته مانندپیکری، تمثال، مثل و مثال و داستان و افسانه و کنایه؛ تقلید و در آوردن شبیه. در المعجم درباره تمثیل آمده است: از جمله استعارات است الا آن که این نوع استعارتی است به طریق مثال یعنی چون شاعر خواهد که به معنی اشارتی کند لفظی چند که دلالت بر معنی دیگر کند بیارد و آن را مثال معنی مقصود سازد و از معنی خویش بدان مثال عبارت کند و این صنعت خوش‌تر از استعارات مجرد باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۶۹۷۰). جلال‌همایی در فنون بلاغت و صنایع ادبی تمثیل را مترادف ارسال مثل دانسته این گونه تعریف می‌نماید: تمثیل «آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبیه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیارایند و این صنعت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیه‌ی سخن می‌شود» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۹۹). اما گاه در علم بلاغت، تمثیل «تصویر» یا «معجازی» تلقی می‌شود که گوینده به وسیله‌ی آن چیزی می‌گوید؛ اما مقصودش چیز دیگری است. به همین دلیل علمای بلاغت در دوره‌ی کلاسیک و قرون وسطی و رنسانس

حتی طنز را نیز از نمونه‌های تمثیل می‌شمارند؛ اما مهم‌ترین نوع تمثیل را با عنوان استعاره‌ی گسترده تعریف کرده‌اند. در کتب بلاغی از جمله آثار سکاکی و خطیب قزوینی تمثیل را در زیر تشبیه تعریف کرده‌اند. «یعنی تمثیل تشبیهی است که وجه شبه آن از چند امر منتزع شده باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۱). پور نامداریان درباره‌ی این تعریف می‌نویسند: «در این تعریف قید حسی بودن یا غیر حسی بودن برداشته شده است و به همین علت صاحب جواهر البلاغه وقتی اشاره می‌کند که تشبیه تمثیل، فهمش احتیاج به کوشش ذهن دارد به علت استخراج صورت منتزع از امور متعدد، اضافه می‌کند: خواه وجه شبه حسی باشد یا غیر حسی» (پور نامداریان، ۱۳۸۹: ۱۴۰). عبد القاهر جرجانی هم تمثیل را در زیر تشبیه تعریف می‌کند. او دو نوع تشبیه را توضیح می‌دهد: «تشبیه تمثیلی و تشبیه غیر تمثیلی. تشبیهی تمثیلی، تشبیهی است که وجه شبه آن به توضیح و تأویل احتیاج دارد. تشبیه غیر تمثیلی، تشبیهی است که وجه شبه آن آشکار است، یا بدون توضیح از روی غریزه دانسته می‌شود؛ اما وجه شبه تشبیه تمثیلی امری ذهنی است و بدون توضیح فهمیده نمی‌شود. مثالی که جرجانی برای تشبیه تمثیل می‌زند این است که می‌گوید: «این دلیل مثل آفتاب روشن است.» برای درک این مسئله محتاج فهمیدن ویژگی آشکار کنندگی آفتاب هستیم و بدون تأویل به معنی آن دست نمی‌یابیم» (جرجانی، ۱۳۷۴: ۵۲). بنابراین تمثیل عبارت است از ارائه دادن یک موضوع تحت صورت ظاهر موضوع دیگر اما به شیوه‌ای ادبی در لباس و هیأت ساختگی که با فکر و موضوع اصلی قابل قیاس باشد.

## دنیا

دنیا در لغت به معنی: «زندگانی حاضر، نقیض آخرت، کره زمین، جهان، کیهان، گیتی، کهن بوم و کهن دز» می‌باشد (عمید، ۱۳۶۰: ۵۱۰). در دین اسلام توجه به دنیا دوستی و غرق در مادیات دنیوی شدن، مورد نکوهش فراوانی قرار گرفته و برای اثبات آن از تمثیل‌ها و استشهدای فراوانی در قالب آیات و روایات به کار برده است؛ البته نباید این گونه تصور نمود که اسلام با استفاده از نعمات دنیوی و بهره بردن از دنیا و اسباب دنیوی

مخالف می‌باشد؛ خیر، به هیچ وجه اسلام چنین حکمی نداده است؛ بلکه با آوردن تمثیل‌ها و استشهدای متعدد، تأکید بر رعایت اعتدال در دنیا دوستی و توجه به مادیات دنیوی داشته و معتقد است که دنیا تا زمانی زیبا و دوست داشتنی می‌باشد که انسان را از یاد خدا غافل ننماید. خداوند متعال در قرآن مجید زندگی دنیا را تمثیلی از بازی و سرگرمی دانسته می‌فرماید: (وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَكُهُوفٌ) (انعام/۳۲)؛ زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست. با توجه به تعالیم اسلامی معلوم می‌گردد که دنیا به خودی خود، بد و ناپسند نیست و اصولاً خداوند حکیم، بد نیافریده است؛ بلکه آن چه از ذات اقدس الهی صادر شده است جز لطف، مرحمت، عنایت و نکویی چیز دیگری نیست. بنابراین آن چه اصل است، خوبی و زیبایی است؛ بدی و زشتی امری نسبی و عاریتی است. افکار و رفتار آدمی است که چیزی را بد و چیزی را خوب می‌نمایاند. دنیا نیز از این قاعده، استثنا نمی‌باشد. اگر دنیا برای انسان هدف و غایت باشد و برای کسب آن به هر وسیله‌ای - حتی به قیمت پایمال شدن حقوق دیگران - چنگ بیندازد، زشت و ناپسند است؛ اما اگر به دنیا به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف والا و مقدس - که وصال حضرت حق است - نگریسته شود، بسیار پسندیده و محبوب است. به طور خلاصه می‌توان این گونه از تمثیل‌ها و آموزه‌های دین مبین اسلام فهمید که دنیا دو نوع است: الف - زشت و مذموم ب - خوب و پسندیده.

**الف. دنیای زشت و مذموم:** آن است که انسان در دنیا بدون توجه به هدف الهی تعریف شده، در پی ارضای غرایز خود باشد. چنین دنیایی دل‌بستگی می‌آورد و دل‌بستگی مایه‌ی تباهی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا: دوستی دنیا منشأ همه خطاها و لغزشهاست» (خمینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). بنابراین اگر در آثار بزرگان ما این همه در خصوص مذمت دنیا تمثیل و اشارات ارزشمندی بیان شده است به دلیل ذات دنیا نیست؛ بلکه به خاطر دل‌بستگی‌های انسان به تعلقات فانی آن است که برای چند روز بهره‌مندی از آن‌ها، هر جرم و جنایتی را مرتکب می‌شود. عطار نیشابوری از شاعران عرصه عرفان، زیباترین و پرمغزترین تمثیل‌ها را در باب دنیا و تصاویر تعلیمی آن در آثار خود به

کار برده است. او می‌گوید: «دنیا دکان شیطان است. زنه‌ها! تا از دکان او چیزی نذرزدی که از پس درآید و از تو بازستاند... دنیا خمر شیطان است، هر که از آن مست شد هرگز باز هوش نیاید؛ مگر در میان لشکر خدا روز قیامت در حسرت و ندامت ... در دنیا اندیشه است و غم، عاقل آن که ترک دنیا کند، پیش از آن که دنیا ترک او کند» (عطار نیشابوری، ۳۶۸: ۱۳۷۰-۳۶۷).

ب. **دنیای خوب و پسندیده:** منظور از این دنیا اعیان (موجودات) آن است از قبیل: کوه، جنگل، ماه، خورشید، دریا و ... از این نظر، دنیا بسیار زیبا و پسندیده می‌باشد؛ زیرا همه جلوه‌ای از خداوند متعال محسوب می‌گردند. افزون بر این، اگر منظور از دنیا همان خواسته‌های نفسانی باشد هم پسندیده است؛ به شرطی که هدف انسان از توجه به آن‌ها، کسب توانایی برای نیل به کمال خویش (قرب الهی) باشد. گذشته از این‌ها دنیا، محلّ نزول فرشتگان حضرت حق است. جایی است که خداوند متعال با بنده‌ی خود سخن گفته است. مقدّس‌ترین مکان‌ها در آن قرار دارد. زیباترین جلوه‌های عشق بازی با خدا در آن صورت گرفته است و سرانجام این که برای ملکوتی شدن، از مسیر دنیا باید گذشت. پیامبر اسلام (ص) تمثیل زیبایی در توصیف دنیا ترسیم نموده‌اند؛ ایشان می‌فرمایند: «إِنَّ الدُّنْيَا بِلَاغٌ إِلَى الْآخِرَةِ: دنیا وسیله رسیدن به آخرت است» (رزمجو، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۴۳). خلاصه مطلب این که بهره مندی از دنیا به نیت کسب روزی حلال و آباد کردن سرای جهان آخرت، خوب و شایسته است؛ زیرا دنیا مزرعه‌ی آخرت است و تا دنیا نباشد آخرتی هم نیست.

### دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن در شعر سعدی شیرازی

زرّین کوب در کتاب «حکایت هم چنان باقی»، در بیان تصاویر تعلیمی دنیا از نگاه سعدی، با استفاده از تمثیل‌ها و توصیفات بسیار زیبا، این گونه می‌نویسد: «سعدی در گلستان، دنیا را چنان که هست، تصویر می‌کند - با زشتی‌ها و زیبایی‌هایش و با تضادها و ناهمواری‌هایی که هست؛ در بوستان و هم چنین در قصاید تحقیقی و بعضی رسالات



تعلیمی، دنیا را بدان گونه که باید باشد، به تصویر می‌کشد که دور نمایی از یک ناکجاآباد شاعرانه است؛ اما تعارض و تضاد بین این دو تصویر را نمی‌توان نشان تضاد و تناقض در اندیشه و بیان شاعر دانست. این تضاد و تناقض در طبیعت، دو گونه‌ی دنیایی است که در طریق کمال و استکمال می‌پوید و مجرد تصور کمال آینده‌اش، ضرورت فقدان کمالش را در زمان حال الزام می‌نماید» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۲۷).

### تمثیل دنیا به مُلکی ناپایدار

در نگاه سعدی دنیا ملکی ناپایدار است، پس نباید به برخورداری از چنین ملکی مغرور شد؛ او هم چنین معتقد است کسی نمی‌تواند از دست اجل، جان سالم به در ببرد؛ زیرا در اصل قرارگاه انسان، بهشت جاودان است که به آن تعلق دارد. او بر این اعتقاد است که انسان به مال و ثروت خود نیز نباید مغرور شود؛ زیرا مال و ثروت در نهایت به میراث خوار (فرزندان) می‌رسد و هیچ کس تاکنون هیچ مالی را با خود به آن دنیا نبرده است.

تو را ز دست اجل کی فرار خواهد بود      فرارگاه تو دارالقرار خواهد بود  
اگر تو ملک جهان را به دست آوری      مباش غره که ناپایدار خواهد بود  
به مال غره چه باشی که یک دوروزی بعد      همه نصیبه ی میراث خوار خواهد بود  
(سعدی، ۱۳۶۹: ۸۶۲)

### تمثیل دنیا به پلی برای رسیدن به آخرت

سعدی دنیا را به مثل پلی می‌داند که برای رسیدن به آخرت باید از روی آن گذشت. او معتقد است که انسان عاقل هیچ گاه خانه‌اش را بر روی چنین پلی نمی‌سازد؛ زیرا چنین خانه‌ای که نامش دنیاست، سست و ناپایدار می‌باشد.

دنیا پلی است بر گذر راه آخرت      اهل تمیزخانه نگیرند بر پلی  
سعدی اگر آسمان به شکر پرورد تو را      چون می‌کشد به زهر ندارد تفضلی  
(سعدی، ۱۳۶۹: ۸۰۵)

سعدی به فرموده پیامبر (ص) معتقد است که دنیا جسر آخرت است؛ به عقیده او همان طور که نمی‌توان بر روی پل، خانه بنا نمود، بر این دنیا هم نمی‌توان خانه بنا نمود؛ زیرا ناپایدار و سست است. او طبق گفته پیامبر (ص) دنیا را محل گذر می‌داند.

دنیا که جسر آخرتش خواند مصطفی  
جای نشست نیست نباید گذار کرد

دارالقرار خانه جاوید آدمی است  
این جای رفتن است و نشاید قرار کرد

(همان: ۷۱۲)

### تمثیل دنیا به سرای عاریتی

سعدی دنیا را مُلکی جاویدان نمی‌داند و یکی از صفات آن راکه بی وفایی است، متذکرمی شود و بارها خوانندگان ابیاتش را به فریب نخوردن از دنیا و باریسمان آن به چاه نرفتن سفارش می‌نماید و دنیا را عاریتی و سرایی بی قدر و منزلت توصیف می‌نماید.

جهان ای پسر ملک جاوید نیست  
زدنیا وفاداری امید نیست

(همان: ۲۳۶)

سعدی نیز باردیگر دنیا را بی وفا می‌داند و معتقد است که نباید به آن اعتماد کرد؛ هم چنین او بر این عقیده است که مرگ از انسان دور نیست و هر روز گویی منزل به منزل به انسان نزدیک می‌شود.

دل در جهان مبند که با کس وفانکرد  
هرگز نبود دور زمان تبدلی

مرگ از تو دور نیست و گرهست فی المثل  
هر روز باز می‌رویش پیش، منزلی

(همان: ۷۵۶)

### تمثیل دنیا به دهر خون خوار و زهر آلود

سعدی بر این عقیده است که دنیا هم چون دهر خون خوار است که قابل اعتماد نمی‌باشد؛ در نگاه سعدی ممکن نیست دنیایی که مانند ماری سیاه و سفید جلوه می‌کند، در

کامش شیرینی عسل باشد.

وفاداری مجوی از دهر خون خوار محال است انگبین در کام ارقم  
(همان: ۷۳۲)

### تمثیل دنیا به بحر عمیق پُر نهنگ

سعدی معتقد است دنیا مانند دریای عمیقی است که پُر از نهنگ می‌باشد؛ او بر این عقیده است که تنها عارفان و انسان‌هایی که به ساحل این دریای عمیق قناعت و بسنده کرده‌اند، جان سالم به در می‌برند. هم چنین در نگاه سعدی، بنیاد دنیا سست و ناپایدار است؛ او ناپایداری دنیا را هم چون بنیادخاک بر سر آب می‌داند که سست است و هر لحظه امکان از بین رفتن خاک وجود دارد.

بنیاد خاک بر سر آب است از این سبب خالی نباشد از خللی یا تزلزلی  
دنیا مثال بحر عمیق است پُر نهنگ آسوده عارفان که گرفتند ساحلی  
(همان: ۷۵۶)

### تمثیل دنیا به ماری خوش خط و خال با ظاهری فریبنده

سعدی پیوسته خوانندگان خود را مورد خطاب قرار داده، سفارش به دوری از دنیای فریبنده می‌نماید؛ در نگاه شیخ اجل، دنیا به مَثَل ماری خوش خط و خال است که بسیار فریبنده نیز می‌باشد؛ سعدی تمثیل دنیای مارگونه را این گونه توصیف می‌نماید: این مار پشتش بنفش رنگ و زیباست و هر بیننده‌ای را می‌فریبد؛ اما همان مار زهری کشنده نیز دارد که هر انسانی را از پای در می‌آورد.

مکن به چشم ارادت نگاه در دنیا که پشت ماربنفش است و زهر او قتال  
(همان: ۷۳۱)

امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه دنیای حرام را به مَثَل مار سمی می‌داند و می‌فرماید:

«مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيْنٌ مَسُّهَا وَالسُّمُّ النَّاقِعُ فِي جُوفِهَا...» (نهج البلاغه، ۱۳۸۴، حکمت ۱۱۹) دنیای حرام چون مار سمی است، پوست آن نرم ولی سم کشنده در درون دارد، نادان فریب خورده به آن می‌گراید و هوشمندعاقل از آن دوریگزیند.

### تمثیل زندگی دنیوی به آب و باد در ناپایداری

سعدی بنیاد جهان را بر آب می‌داند و زندگی در آن را نیز هم چون بادی گذرا معرفی می‌نماید. او آخرت را سرای جاوید معرفی می‌کند و معتقد است که تنها از آدمی در این دنیا نام نیک است که باقی می‌ماند.

جهان بر آب نهاده است و زندگی بر باد  
 جهان نماند و خرم روان آدمی  
 سرای دولت باقی نعیم آخرت است  
 غلام همّت آنم که دل بر او نهاد  
 که بازماند از او در جهان به نیکی یاد  
 زمین سخت نگه کن چومی نهی بنیاد  
 (سعدی، ۱۳۶۹: ۷۱۰)

### تمثیل دنیا به کاروانسرا

در نگاه سعدی دنیا مانند کاروانسرای است که نمی‌توان در آن اقامت دائمی و همیشگی داشت. سعدی بر این عقیده است که ساختن خانه‌ی ابدی در این دنیا روا و شایسته نیست. هم چنین در نگاه شیخ اجل، کام جویی‌ها و خوش گذرانی‌های دنیوی به دشمنی‌هایی که دنیا در حق انسان روا می‌دارد، نمی‌ارزد.

دل ای رفیق در این کاروانسرای مبد  
 اگر جهان همه کام است و دشمن اندر پی  
 که خانه ساختن آیین کاروانی نیست  
 به دوستی که جهان جای کامرانی نیست  
 (همان: ۷۰۹)

### تمثیل دنیا به خرابه‌ای پُر رنج و غم به نام محنت آباد

سعدی دنیا را هم چون خرابه‌ای می‌داند که نامش محنت آباد است. او دنیا را محلاً

رنج و اندوه انسان معرفی نموده، معتقد است انسان‌های اهل معرفت، هیچ گاه دل به دنیا نمی‌بندند و تنها به آخرت دل‌بسته و امیدوارند.  
گر اهل معرفتی دل در آخرت بندی نه در خرابه ی دنیا که محنت آباد است  
(همان: ۷۰۷)

### تمثیل دنیا به گوز بر گنبد دوار در ناپایداری

شیخ اجل خود را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید که دنیا سرای عمر آدمی است که دل بستن به آن شایسته نیست؛ او دنیا را هم چون گنبدی دوار می‌داند و از نگاه او، همان گونه که گوز بر روی این گنبد دوار ثابت نمی‌ماند، انسان هم نمی‌تواند در دنیا برای همیشه بماند و روزی مانند همان گوز باید دنیا را ترک کند؛ او مرگ را ارزشمند می‌پندارد و با استفاده از تمثیل‌های زیبا معتقد است که اگر مرگ نمی‌بود، یوزپلنگ هیچ آهویی را زنده نمی‌گذاشت.

منه دل بر سرای عمر سعدی که برگنبد نخواهد ماند این گوز  
دریغا عیش اگر مرگش نبودی دریغ آهو اگر بگذاشتی یوز  
(همان: ۵۲۶)

### دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن در شعر ملک الشعرای بهار

در خصوص مفاهیم و مضامین شعری دوره مشروطه می‌توان گفت که «انقلاب مشروطه موجب شد معانی تازه‌ای که پیش از آن سخنی درباره آن‌ها نبود در شعر پدید آید و نهادهای اجتماعی و سیاسی را دگرگون سازد. این تحولات منجر به تغییر ساختارهای ذهنی طبقاتی شد که در این جریانات، مخاطبان تازه شعر بودند. این گفتگوها موجب شد معانی و زبان شعر به کلی تغییر کند و کلمات و ترکیبات، اعلام مکانی و زمانی و پیش آمدها و وقایعی که در شعر کهن سابقه نداشت، وارد شعر شود. برخی از این مضامین رایج شعری این عهد عبارت است از: شکوه و شکایت از زمین و زمان و چرخ برین که

پیشینه‌ای به درازای شعر و ادب فارسی دارد» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۴).

### تمثیل دنیا به بتی زیبا و فریبنده

ملک الشعراى بهار برخلاف سعدی شیرازی ذات دنیا را خوب می‌پندارد و معتقد است که یکی از زیباترین نقش‌هایی که خداوند مَنان خلق نموده، همین دنیای خاکی است؛ لذا نباید به آفریده خالق ایراد گرفت و آن را مورد نکوهش قرارداد. او در یکی از قصاید دیوان اشعارش تمثیل زیبایی برای دنیا به کار برده است. بهار دنیا را هم چون زیبا بتی می‌داند که بسیار فریبنده است؛ ولی فریبندگی را خاصیت بت دانسته، معتقد است که انسان‌ها باید هوشیار باشند و فریب ظاهر زیبای دنیا را نخورند.

جهان را جهاندار بنگاشته است	به نقشی کز آن خوب‌تر کار نیست
چو بیغاره رانی همی بر جهان	چنان دان که جز بر جهاندار نیست
جهان راست مانند زیبا بتی است	که چونان به مشکوی فرخار نیست
تو مفریب از او گرت هوشست یار	فریب از در مردِ هُشیار نیست
متاب از بتی کان فریبنده است	که بت را فریبندگی عار نیست

(بهار، ۲۴۷: ۱۳۶۵)

امام علی (ع) نیز در مذمت دنیا در نهج البلاغه تمثیل‌های زیبا و خردمندانه‌ای به کار برده است؛ ایشان می‌فرماید: «شما را از دنیا بر حذر می‌دارم که سرایی است ناپایدار، نه جایی که در آن بار توان گشود و دل در آن بست. به زیورهای فریبنده خود را آراسته است و به آن آرایش فریبکارانه، دیگران را می‌فریبد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۴، خطبه ۱۱۳).

### تمثیل دنیا به باغی آراسته

میرزا محمد تقی بهار در یکی از مثنویات خود در دیوان اشعارش تمثیل باغ آراسته را برای جهان به زیبایی به کار برده است و در ادامه تمثیل زیبای دیگری را برای گنج و

کالای ناپایدار این دنیا به کار می‌برد و آن‌ها را به مرغی مانند می‌کند که هر لحظه بر شاخ و برگ‌های این باغ آراسته (دنیا) می‌پرد.

به گنج و به کالای گیتی مناز	که کالای گیتی نباید دراز
چو مرغی است گنج زر و خواسته	جهان چون یکی باغ آراسته
ز شاخی به شاخی برآید همی	به یک شاخ هرگز نباید همی

(بهار، ۱۳۶۵:۵۱۳)

### تمثیل دنیا مزرعه آخرت است

بهار با سرودن اشعاری در قالب قصیده تمثیلی، دنیا مزرعه آخرت است را به زیباترین وجه ممکن به کار برده است؛ او معتقد است که دنیا محل زرع و کشت و برداشت محصول برای جهان آخرت می‌باشد. هم چنین او تمثیل زیبای بریدن نخل بی بر را برای کسانی که در این دنیا هیچ اندوخته‌ای برای آخرت ندارند به کار برده است.

جهان را نبایدست کردن یله	که مرزوی گل جای مردار نیست
ببایست ورزید و برداشت بهر	بسوزند نخلی که بر بار نیست...
یکی شارسانی است دیگر سرای	کجا کشت و ده و دار نیست
همه نعمتی هستش الا در او	کشاورز و درزی و نجار نیست

(همان: ۲۵۰)

### تمثیل دنیا به سنگ آسیاب

شاعر در مطلع یکی از قصایدش تمثیل سنگ آسیاب را برای دنیای خاکی به کار می‌برد و خود را بسان دانه‌ای می‌داند که در زیر رنج‌ها و بلاهای آسیاب سنگی جهان خاکی خرد شده است.

فغان از این جهان و ابتلای او	که مانده‌ام عجیب در بلای او
بسان دانه خرد گشت پیکرم	ازین بزرگ سنگ آسیای او

(همان: ۳۲۷)

### تمثیل دنیا به نردبانی برای رسیدن به آخرت

ملک الشعرای بهار در یکی از مثنویاتش در خصوص خلقت جهان تمثیل زیبای نردبان را برای دنیا به کار برده است که آدمی می‌تواند به وسیله بالارفتن از این نردبان وجود به آخرت صعود نماید.

اندرین قوه رشته‌هاست بسی سر هر رشته‌ای به دست کسی  
هر که سرشته بیشتر دارد بیشتر زین جهان خیر دارد  
هست این رشته نردبان وجود که بدان می‌کند وجود، صعود  
هر که در این سفر سبکبار است راهش آسان و سهل و هموار است  
(همان: ۴۵۷)

بهار پس از سرودن این ابیات در وصف خلقت دنیا، تمثیل زیبای دیگری در وصف جهان آخرت به کار می‌برد؛ او تمثیل نقش پرگار را برای جهان آخرت به کار برده، معتقد است که همه چیز در آخرت هم چون نقش پرگار بر مبنای عدل و عدالت استوار است و هیچ کجی و ظمی در آن جا روا نمی‌باشد.

...این جهان همچو نقش پرگار است همه چیزش ز عدل هموار است  
کجی و ظلم را در آن ره نیست بدو خوب و دراز و کوتاه نیست  
همه چیزش ز روی عدل نکوست هر کسی آن کند که درخور اوست  
(همان)

### تمثیل دنیا به کودکان بی گناه و مادران و پدران بی کینه

ملک الشعرای بهار در یکی از قصایدش تصویر زیبایی از دنیای خاکی ترسیم می‌نماید و دنیا را در اصل و ذات، پاک و عاری از هر کینه و گناهی معرفی نموده، تمثیل کودکان بی گناه و مادران و پدران بی کینه را برای دنیا به کار می‌برد که در این مورد می‌توان گفت ملک الشعرای بهار نسبت به بسیاری از شاعران سنت شکنی نموده است.



نگه کن بدان بیگنه کودکان      کهشان جز محبت پرستار نیست  
نگه کن بدان مادر و آن پدر      که در سینه‌شان کینه انبار نیست  
جهان این کسانند و این است دهر      جهان آن سیه روی غدار نیست  
تو زین نقش‌ها می چه رنجه شوی      اگر دلت رنجه ز دادار نیست  
ور از نقش دادار گشتی دژم      تو را تن به جز نقش دیوار نیست  
(همان: ۲۴۹)

### تمثیل آیین دنیا به طبل جفا کوفتن

محمد تقی بهار در یکی از رباعیات خود تمثیل بر طبل جفا کوفتن را برای راه و رسم جهان خاکی به زیبایی بیان نموده است. او معتقد است که آیین دنیا بر رنج و جفا استوار است و در حقیقت این دنیا جای خوشی و خوش گذرانی نیست؛ هم چنین بهار در تمثیلی دیگر رقص و پای کوبی را صفت زنان می‌داند و کشتن و کشته شدن در دنیا را هنرمردان معرفی می‌کند.

آیین جهان طبل جفا کوفتن است      خایسک بلا بر سر ما کوفتن است  
این کشتن و این کشته شدن مردان راست      کانجا که زنست رقص و پاکوفتن است  
(همان: ۴۴۲)

### تمثیل دنیا به دمی زودگذر در ناپایداری

ملک الشعرا بهار نیز هم چون سعدی شیرازی به زودگذر بودن دنیا معتقد است؛ او تمثیل دمی ناچیز و بی ارزش را در مورد ناپایداری دنیا در شعرش به کار برده است.

غم مخورجانادراین عالم که عالم هیچ نیست  
نیست هستی جز دمی ناچیزوآن دم هیچ نیست  
گر به واقع بنگری بینی که ملک لایزال

ابتدا و انتهای هر دو عالم هیچ نیست

(همان: ۹۲)

### تمثیل دنیا به بند بیژن و مگاک رستم

یکی از تمثیل‌های بسیار زیبا و پرمعنایی که ملک الشعراء بهار در دیوان اشعارش به کار برده است تمثیل مکر و غم ورنج دنیا به بند بیژن و مگاک رستم است. او مکر دنیا را مایه به بند کشیده شدن بیژن در سرزمین تورانی و به گودال مرگ افتادن رستم به دست برادر دنیاپرستش می‌داند، با به کار بردن این تلمیح و تمثیل و مخاطب قرار دادن خویش در شعرش دید مخاطب خویش را به مکرها و رنج‌های زمانه سوق داده، اندیشه پاک داشتن را اصل بی غمی در دنیا معرفی نموده و در نهایت بند بیژن و مگاک رستم را مایه عبرت انسان‌ها برمی‌شمارد.

هان ای بهار، مردِ خرد شو که در جهان بند است بیژنی و مگاک است رستمی  
اندیشه پاک دار و مدار ایچ غم از آنک اندیشه پاک داشتن است اصل بی غمی  
(بهار، ۲۶۰: ۱۳۷۸)

### نتیجه

سعدی و ملک الشعراء بهار به عنوان شاعرانی متعهد و پای بند به اصول اخلاقی، هیچ‌گاه از پند و اندرز دادن به مخاطب خویش غافل نبوده‌اند؛ هر دو شاعر بزرگ ادب فارسی چه در دوره ادب کلاسیک و چه در عصر مشروطه در آثار ارزشمند خود به تمام زوایای زندگی بشر توجه‌ای ویژه داشته و در بخش‌های مختلف، ارزش‌های اخلاقی را در قالب پند و پیام‌های زیبا و دل‌نشینی بیان نموده‌اند. نگاه سعدی و محمد تقی بهار به دنیا، نگاهی بس ناامیدانه است و تصاویری هم که با قلم این نگارگران معنا کشیده شده، تصاویری است که نه تنها باعث دل‌سردی و ناامیدی می‌شود؛ بلکه گاه انسان را دچار وحشت و انزجار نیز می‌نماید؛ تصاویری همچون دهرخونخوار، زندان، محنت آباد، ماری خوش‌خط و خال از این قبیل به شمار می‌آیند؛ اما هنگامی که در مفهوم ابیاتی که در خصوص این عناوین سروده شده‌اند دقت کنیم درمی‌یابیم که هدف از بیان چنین تمثیل‌هایی برای دنیا، چیزی جز دور کردن انسان از دل‌بستگی و وابستگی به دنیا نیست. سعدی و ملک الشعراء

بهار دنیا را زمانی قابل توجه می‌دانند و برای آن ارزش قائل می‌شوند که به آن از منظر پُلی برای رسیدن به آخرت نگریسته شود؛ یعنی مشغول شدن به دنیا را در حد گردآوری زاد و توشهٔ اخروی مُجاز می‌دانند. هم چنین با مطالعهٔ اشعار این شاعران می‌توان دریافت که اشتراکاتی نیز در نگاه سعدی و محمد تقی بهارنسبت به دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن وجود دارد؛ این اشتراکات شامل ارائهٔ تمثیل‌هایی هم چون مُلک نوبتی و ناپایدار، اصل بودن آخرت و مجاز دانستن دنیا و در نهایت مشغول شدن به دنیا مانعی برای رسیدن به زندگانی و سعادت ابدی می‌باشد. باتوجه به این که هدف از تربیت و اخلاق، حفاظت انسان از به خطارفتن در رفتار است، لذا انسان آرمانی شعر سعدی و ملک الشعرای بهار می‌تواند آموزه‌های تمثیلی این شاعران بزرگ را سرلوحهٔ رفتار و کردار خود قرار داده تا بتواند در اراده و عمل، به دور از هوی و هوس و تقلید کورکورانه در راه مستقیم و درست گام بردارد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، (۱۳۸۴)، مترجم دشتی، محمد، قم: الهادی.
۲. بهار، محمد تقی (ملک الشعرا)، (۱۳۶۵)، نغمهٔ کلک بهار، به کوشش محمود رفعت، تهران: علمی.
۳. ....، (۱۳۷۸)، مرغ سحر (منتخب اشعار)، تهران: سخن.
۴. پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۹)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی فرهنگی، چ هفتم.
۵. جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۴)، نفحات الانس، بامقدمه و تصحیح محمود عابدی، تهران: اطلاعات.
۶. حسینی کازرونی، سیداحمد، (۱۳۹۰)، بررسی اندیشه‌های اخلاقی و تعلیمی در شعر اجتماعی عصر مشروطیت، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، پاییز ۹۰، ش ۱۱: ۴۰-۲۹.
۷. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۸)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامهٔ دهخدا، تهران: موسسه دانشگاه تهران، چ دوم دورهٔ جدید.
۹. رزمجو، حسین، (۱۳۶۹)، شعر کهن در ترازوی نقد اخلاقی (دوجلد)، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، حکایت هم چنان باقی، تهران: سخن.
۱۱. سعدی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۶۹)، کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.

۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگه، چ هشتم.
۱۳. عطار، فریدالدین محمدبن ابراهیم، (۱۳۷۰)، تذکره الاولیاء، به تصحیح استعلامی، محمد، تهران: زوآر.
۱۴. عمید، حسن، (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
۱۵. فرید، مرتضی، (۱۳۶۸)، الحدیث، تهران: فرهنگ اسلامی.
۱۶. همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۰)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما، چ هفتم.